

برنامه ولادت حضرت رب اعلى و جمال اقدس ابهى

1- ذکر دسته جمعى « هَلْ مِنْ مُفْرَجٍ غَيْرِاللّهِ؟ قُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ هُوَ اللَّهُ كُلُّ عِبَادٍ لَهُ وَ كُلُّ بِأَمْرِهِ قَائِمُونَ .

2- مناجات حضرت رب اعلى

3- بيان حضرت نقطه اولى

4- ميّتن حكمتهاى غيب صمدانى

5- شيراز و مازندران

6- تولد و طفوليت حضرت اعلى

7- در مكتب شيخ عابد

تنفس و پذيرايى

8- مناجات حضرت عبدالبهاء

9- ذکر دسته جمعى «يا منان يا منزل البيان يا موجد الامكان يا مظهر السبحان يا بهاءالله»

10- بيان حضرت رب اعلى

11- لوح مبارك حضرت بهاءالله

12- گوشه‌اى از زندگى ممتاز حضرت بهاءالله

13- جوانى مبارك

14-- ولادت آنان "يك يوم محسوب شده عند الله"

15- برنامه هاى محلى

16- تنفس و پذيرايى

17- مناجات خاتمه

سروران روحانی

با تقدیم تحیات. ضمن تبریک به مناسبت این ایام فرخنده،

همانطور که مستحضرید برنامه ها خلاصه تدوین گردیده تا فرصت مناسب برای اختصاص برنامه های محلی شاد وجود داشته باشد. لذا تقاضا میگردد که با استفاده از ابتکارات محل و با بهره گیری از عزیزان هنرمند علی الخصوص جوانان و نوجوانان برنامه‌هایی برای ایجاد سرور و الفت و موانست هر چه بیشتر احباء آماده نمایید. استفاده از فیلمهای مناسب و کلیپهای موجود در سایتهای اینترنتی معتبر و نیز سرودهای در دسترس گزینه های مناسبی است. به طور مثال میتوان از اسلایدها و متون مناسب موجود در سایت حضرت بهاءالله مدد جست.

ایام خوشی برای شما و دیگر عزیزان آرزومندیم.

2- مناجاتی از حضرت رب اعلی

سبحانک اللّٰهم انک انت علامّ الغیوب. قدّر لنا من الخیر ما قد احاط به علمک. فانک انت الملك العزیز المحبوب. سبحانک اللّٰهم انا کنا یومئذٍ من فضلک سائلین و انا کنا یومئذٍ علی ربّنا متوکّلین. سبحانک اللّٰهم قدّر لنا من الخیر ما یغنینا عن دونک؛ فانک انت ربّ العالمین. ربّ اجزِ الذّین هم یصبرون فی ایّامک و اثبت افئدتهم علی صراط حقّ قویم و قدّر اللّٰهم من الخیر ما یدخلهم فی جنّات النّعیم. سبحانک اللّٰهم انزل علی البیوت الّتی آمنت اهلها، برکات السّماء عندک؛ فانک انت خیر المنزّلین. وارسل اللّٰهم جنوداً لینصرّن عبادک المؤمنین. انک تبدع کیف تشاء بامرک و انک انت الملك المبدع الحکیم. قل الله خالق کلّ شیء یبسط الرّزق لمن یشاء من عباده و هو الخلاق البارء المصوّر العزیز المبدع الحکیم. له الاسماء الحسنی فی السّماوات و الارض و ما بینهما، کلّ بامرہ یعملون. یسبّح له من فی السّماوات و من فی الارض و کلّ الیه ینقلبون...

منتخبات آثار حضرت نقطه اولی ص 150

3- بیان حضرت نقطه اولی

خداوند در هر حال غنی بوده از خلق خود؛ و دوست داشته و می‌دارد که کلّ با منتهای حبّ در جنّات او متصاعد گردند که هیچ نفسی بر هیچ نفسی به قدر نفسی حزنی وارد نیاورد که کلّ در مهد امن و امان او باشند...

منتخبات آثار حضرت نقطه اولی ص 59

4- مبین حکمت‌های غیب صمدانی

حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند:

آن حضرت (حضرت رب‌اعلی) بر عرش یَقَعْلُ ما یَشَاءُ جالسند و بر کرسی یَحْكُمُ ما یرید ساکن؛ و هیچ ادراکی سبقت نیابد بر کیفیت ظهور او و هیچ عرفانی احاطه ننماید بر کمیت امر او و جمیع قول‌ها به تصدیق او منوط است و تمام امور به امر او محتاج و ماسوای او به امر او مخلوقند و به حکم او موجود؛ و او است مظهر اسرار الهی و مبین حکمت‌های غیب صمدانی.

آیات الهی ج 2 ص 232

5- شیراز و مازندران

حضرت عبدالبهاء میل بسیار داشتند که شیراز چون موطن حضرت اعلی است از ترقیات روحانیه عظیمه برخوردار گردد. در خطابه‌ای در سال 1915 در حیف‌اچین می‌فرمایند:

"هوالله چون شیراز موطن حضرت نقطه اولی است، امیدم چنان است که یک آثار عظیمه‌ای از آن نقطه ظاهر و هویدا گردد. چه قدر خوب است که یک ترقیات فوق‌العاده و یک آوازه الهی، یک نعمات خوشی از آن جا بلند شود. دو نقطه است در ایران که من خیلی میل دارم به نار محبت الله مشتعل شود و این امر در آن نقاط یک جلوه عظیمی نماید؛ یکی شیراز، یکی مازندران. امیدم چنان است که نفوسی در این دو جا مبعوث شوند که مثل این سراج بدرخشند و مانند ستاره‌های آسمان روشن باشند؛ روحانیت فوق‌العاده حاصل نمایند و سبب ایقاد نار الهی و ترقی نفوس گردند.."

سفینه عرفان دفتر هشتم ص 225

6- تولد و طفولیت حضرت اعلی

در نیمه اول از قرن سیزدهم اسلامی و اوائل قرن نوزدهم میلادی در شهر دار العلم شیراز، در خانواده‌ئی اصیل و شریف از سادات حسینی طفلی بوجود آمد که به نام مبارک "علیمحمد" که ترکیبی از نام نبی و ولی است، نامیده شد... این طفل پس از طی ایام صباوت و وصول به مرحله شباب، به اراده الهیه پرده از سرائر ضمیر مبارکش برداشته شد و به امر عظیمی مبعوث و به القاب شامخه کریمه ملقب گردید که از جمله آنها نقطه اولی، رب اعلی و باب الله الاکرم در بین خواص و عوام اشتهار یافت. والد ماجد آن حضرت جناب آقا سید محمد رضا از تجار محترم شیراز ... و والده ماجده آن حضرت مسمات به فاطمه بیگم(میباشند)... سلسله نسب والدین آن حضرت منسوب به خاندان رسالت و طهارت و به چند واسطه به حضرت امام حسین بن علی علیه السلام می‌رسد... جناب آقا سید محمد رضا والد حضرت اعلی، در سال 1243 هجری در حالی که هشت سال از سن آن حضرت می‌گذشت، به رحمت ایزدی پیوست و آن حضرت و والده معظمه، در تحت کفالت جناب حاج سید علی خال اعظم درآمدند. جناب خال پس از چندی که حالات غریبه و عدم توجه آن حضرت را بر اکتساب علوم ظاهری در مکتب شیخ مشاهده نمود، ناگزیر آن حضرت را از مکتب شیخ بیرون آورده، به کار تجارت در حجره خویش مشغول داشت. شیخ معلم متأسف گشته و بارها بر زبان آورده بود که اگر والد این طفل در این جهان بود هرگز فرزندش را از تحصیل باز نمی‌داشت. با آن که حضرت نقطه اولی در آن موقع که قریب به ده ساله بوده‌اند در حجره تجارتي خال به کارهای تجارتي مشغول بوده‌اند؛ ولی همچنان به عبادت و راز و نیاز با خداوند بی انباز و استغراق در عوالم روحانی بیشتر رغبت داشته و توجهی به شئون مادی نمی‌فرمود؛ به طوری که اغلب روزها روزه- دار بوده و بیشتر اوقات در جای خلوت دور از انظار به عبادت و دعا و مناجات می‌پرداختند.

تلخیصی از کتاب حضرت نقطه اولی صفحات 64 تا 83

ایادی محترم امرالله، جناب بالیوزی می‌نویسند که روز اول ورودشان به مکتب شیخ عابد، در حالی که پنج سال بیشتر نداشتند، بین دو پسر دوازده ساله نشانده شدند که یکی از آنها آقا محمد ابراهیم اسمیعل بیک بود که بعدها تاجری مشهور شد و خود این واقعه را بیان می‌کند که در آن روز حضرت باب با آن صغر سن مؤدبانه و سر بزیر نشسته و بر صفحه اولین کتاب درس خیره شدند؛ ولی به خلاف رسم مکتب با سایر اطفال هم‌صدا نگردیدند و در جواب سؤال معلّم که چرا با سایرین با صدای بلند نمی‌خوانند، آهسته این بیت حافظ را زیر لب زمزمه کردند که:

ترا ز کنگره عرش میزنند صغیر ندانمت که در این دامگه چه افتاده است 1

باری شیخ عابد در احوال و اطوار آن حضرت از آغاز ورود به مکتب متحیر و متعجب بود و چون خود شاهد و ناظر اخلاق و صفات آن حضرت در ایام طفولیت بود، بارها ذکر کرده بود که به هیچوجه رفتار و احوال آن حضرت مشابهتی و مماثلتی با حالات و اطوار و صفات سایر اطفال نداشته است. به طوری که همیشه با همسالان خود با رأفت و محبت و خوشروئی رفتار می‌فرمود و هر چه که با خود به مکتب خانه می‌آورد، از خوردنی و لوازم درس و مشق، به سایر اطفال می‌بخشید. هرگز با اطفال کدورت و رنجشی حاصل ننمود و هیچیک از اطفال چنان که عادت کودکان است، از آن حضرت نزد شیخ شکایت ننمود. در درس و مشق خط به همان گونه که معلم می‌داد، می‌خواند و می‌نوشت و در همان بار اول درس خود را فرا گرفته، محتاج به تکرار نمی‌شد و هرگز از معلم درباره درس خود غلط نپرسید و شیخ به فراست دریافته بود که این طفل نورانی دارای چه استعداد عجیبی است و بارها بر زبان آورده بود که اگر این طفل دوره دروس معمولی را به پایان رساند و در تکمیل آن بکوشد نخستین عالم زمان خود خواهد شد... مشاهده همین احوالات بود که عاقبت شیخ معلم... به مرحله ایمان و ایقان رسیده، به آن حضرت ایمان آورد. 2

هُوالله

ای پروردگار ای آمرزگار این محفل به ذکر تو آراسته و این جمع توجّه به ملکوت تو نموده . دل ها پر مسرت است و جان ها در نهایت بشارت. خداوند مهربانا این جمع را شادمان کن و در ملکوت خویش کامران فرما. گناه ببخش؛ پناه بده؛ آگاه کن و به بارگاه ملکوت درآر . توئی دهنده توئی بخشنده و مهربان.

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء چاپ آلمان ص 391

10-بیان حضرت رب اعلی

... این که امر شده ذکر سرّ، از برای آن است که مراقب به ذکر الله باشی که قلب تو همیشه حیوان باشد که از محبوب خود محتجب نمایی؛ نه این که به لسان، ذکر بخوانی و قلب تو متوجّه نباشد به ذروه قدس و محل انس. لعل اگر واقع شوی در یوم قیامت، مرآت قلب تو مقابل باشد شمس حقیقت را که اگر مشرق شود فی الحین، تعاکس بهم رساند؛ زیرا که اوست مبدء هر چیز و به او راجع می شود کلّ امر و اگر آن ظاهر شود و تو همیشه در ذکر نفس خود باشی، ثمر نمی بخشد تو را الا آن که به ذکر او ذکر کنی او را؛ که او است ذکر الله در آن ظهور؛ زیرا که آن ذکر که می کنی، به واسطه امر نقطه بیان است و آن ظهور کینونیت نقطه بیان است در آخرت که بما لا نهاییه الی ما لا نهاییه اقوی است از ظهور اولای آن...

منتخبات آثار حضرت نقطه اولی ص 65

11- لوح مبارک حضرت بهاءالله

اول فجر برخاستیم و به ارضی که به اسم حقّ مذکور است، توجّه نمودیم و چون داخل شدیم، جمیع را از کوثر لقا مسرور یافتیم. از هر یک از اشجار و ازهار و اوراق و اثمار ندای " الْمَلِكِ لِلَّهِ " اصغاء نمودیم. یا ایّها المقبلُ الی افقی، سُکر بیان رحمن به شأنی اشیای بُستان را اخذ نموده که هر ذره از ذرات ترابش به ترنّمات بدیعه منیعه به ذکر حقّ جلّ جلاله مشغولند. امروز روزی است که جمیع مقربین و مخلصین لقای او را از حقّ جلّ جلاله مسئلت می نمودند و کتب الهی بر این گفتار، شاهد و گواه. طوبی از برای نفوسی که به اصغای ندا، فائز شدند و به مشاهده افق، مفتخر گشتند. چشم از برای امروز است و گوش از برای این ایّام، چه که ندای محبوب عالمیان مرتفع است و افق جمال به نور وجه منور.

آیات الهی ج 2 ص 354

17- مناجات خاتمه

هوالله

ای خداوند، روحی در دلها بدم که همدم تو گردند و شوقی در قلوب بینداز که به ذکر تو دمساز شوند. جانها را شور و ولهی ده و دلها را وجد و طربی بخش، که هر دم روحی تازه یابند و به سروری بی اندازه رسند. ای خداوند مهربان، یاران را روح و ریحان بخش و تأییدی آسمانی فرما؛ تا تشنگان را سلسبیل هدایت دهند و گمگشتگان را به سیبیل عنایت دلالت کنند. تویی مقتدر و توانا و شنونده و بینا. ع ع

منتخبات مکاتیب ج 3 ص 6

12- گوشه‌ای از زندگی ممتاز حضرت بهاء‌الله

حضرت بهاء‌الله در خاندان یکی از اشراف و اعیان بزرگ عهد قاجار میرزا عباس نوری مشهور به میرزا بزرگ از زادگان و نوادگان سلسله ساسانیان تولد یافت. و روزگار کودکی و جوانی را به کمال راحت و نعمت و رفاه سپری نمود. میرزا بزرگ اگرچه به ظاهر اهل ثروت و جاه و مقام بود ولی مال و مکنّت را بندگی نمی‌نمود و از دام شهرت و نام وارسته و آزاد می‌زیست. از افکار و رفتار چاپلوسان دربار بیزار و برکنار بود. درباره دوران کودکی و عنفوان زندگانی حضرت بهاء‌الله داستان‌های زیاد در دست نیست. همین قدر پیداست که رفتار و کردار و حالت و تمایلاتش از همان آغاز در انظار بسیار شگفت‌انگیز جلوه می‌نموده. حضرت بهاء‌الله مقدمات خواندن و نوشتن را نزد نزدیکان فرا گرفت و هرگز در راه کسب دانش و هنر گامی فراتر ننهاد. زندگی حضرت بهاء‌الله از همان آغاز از دیگران ممتاز بود. هرگاه بزرگان زمان مشکلی داشتند، به بارگاهش می‌شتافتند و رأی و اندرز حکیمانه‌اش را به جان می‌پذیرفتند. هر هنگام دانشوران و دانایان از درک نکته‌ای درمی‌ماندند، از او یاری و یآوری می‌جستند و گفتار ارزنده و کلام روح‌بخشنده‌اش را چون زر و گهر به غنیمت می‌بردند. نظر به این صفات و سجایای ملکوتی، یاران و یاوران، آینده حضرت بهاء‌الله را بس تابان و درخشنده می‌دیدند و یقین داشتند که آن کس که چنین دانش و درایت و عدالتی را داراست، قطعاً در عرصه امارت و سیاست، شایسته مقام و منزلتی شایان و ارجمند است - و چه بسا از اشراف و وزرا که او را به پذیرفتن مراتب مهم حکومتی می‌خواندند؛ که شاید راه و رسم آنان را پیش گیرد و نام و مقامی جوید؛ ولی او را نظرگاه جای دیگری بود. آرمان‌های او آسمانی بود. افکار او از آن عرصه پاک بود نه عالم خاک. در آسمان تابان عشق و عرفان وطن داشت نه در زوایای تاریک این جهان. با تهی‌دستان و بی‌نویان همسری می‌جست نه با اشراف و زمامداران. عاقبت یاران از اصرار و ابرام روی برتافتند زیرا به فراست دریافتند که او را هدف‌ها و آرمان‌های دیگر در سر است. هنگامی که ندای حضرت باب از افق شیراز برخاست حضرت بهاء‌الله بی‌پروا پیامش را پذیرفت و در گسترش و اشاعه آئینش زبانه زد بیگانه و آشنا گردید.

در طی سالهای رشد و بالندگی در تاکر، میرزا حسینعلی آموخت که در سکوت و جلال درّه‌های واقع در دامنه‌های کوهستان قدم بزند و سواری کند. در این جا تمام روستائیان این پسر را طی دوران رشد از نوجوانی به جوانی و بعد به بزرگسالی می‌شناختند؛ زیرا به عنوان رعایا نسبت به مردان خاندان اربابی که صاحب و مالک آنها و طالب وفاداری آنها و نیز امید شادی و سعادت ایشان در آن ایام سخت و دشوار بودند، از طرفی جانب احتیاط را رعایت می‌کردند و از طرف دیگر مشتاق ملاقات و شناختن آنها بودند. هر یک از روستائیان و بیلاق نشینان در درّه‌های حاصلخیز املاک میرزا عباس احتمالاً برای خود افسانه‌هایی از ملاقات‌های شخصی با آن سوار جوان داشت و نیز درباره آینده او که ذهنی وقاد و درکی شدید داشت، حدسهایی می‌زد. شاید حیرت‌آورتر از همه، پی بردن اتفاقی به این نکته بود که احساس مرد جوان از آنها شامل شفقت و همدردی عمیقی، هر چند متواضعانه، نسبت به هر یک از آنها می‌شد. اما یک دلیل جامع که استعدادها و ظرفیتهای وی بدون هیچ رادع و مانعی مکشوف گشت، این بود که اوقات مطلوب و مطبوع جوانی وی در پیش دیدگان و در سایه پدر محترمش، میرزا عباس وزیر که او را در نهایت احترام، آقا می‌خواند، سپری می‌شد.

14- ولادت آنان "یک یوم محسوب شده عند الله"

عظمت این یوم که حضرت بهاءالله در باره آن فرموده‌اند "امروز روز دیگر است"، از آنجا معلوم می‌شود که فرارسیدن آن را دو مظهر ظهور الهی که ولادت آنان "یک یوم محسوب شده عند الله" اعلام نموده‌اند. وجود مقدس حضرت باب بنفسه و ظهور مبارکش که انفصال از نظم کهنه موجود را موجب گشت پاسخی بود به ادعیه و تضرع نسل‌های متمادی که منتظر موعودی بودند که ظهورش در همه کتب مقدسه وعده داده شده بود. با ظهور حضرتش امر ابدی الهی با سرعتی خارق‌العاده تجدید و احیا گردید لیکن با عنوانی که ایشان برای خویش برگزیدند، نشان دادند که وجود حضرتش درگهی است برای یک ظهور برتر که به فرموده حضرت شوقی افندی، ایشان "خود را مُبَشِّر خاضع آن ملحوظ داشته‌اند)". ترجمه) مجهودات بهائیان در سراسر عالم برای ترویج امر الهی یادآور انذار مبارک حضرت باب است که صریحاً در کتاب بیان می‌فرمایند "طوبی لمن ينظر الی نظم بهاءالله و يشکر ربّه".

پیام بیت العدل اعظم الهی مورخ 1 ژوئن 2018